

فرهنگ اصطلاحات حافظ

غنی - توانگر و مالدار در اصطلاح

غنائی دل است و نفس است و غنائی بحق است که بنده خود را از همه جهانیان بی نیاز بداند . چون حق را یافته همه چیز را یافته و توجهی بماسوی الله نمیکنند
۳۵۵/۷

غنیمت - سود و فایده و فراوانی.

و بخت نیک : و هر مالی که بی دسترنج دستیاب گردد و در اصطلاح شرع، مالی است که در قتل از کفار گرفته شود ۱/۸۲
۷۸/۹ - ۱۰۱/۴ - ۱۱۱/۱۳ - ۱۲۲/۱
۱۹۵/۷ - ۲۰۰/۱۰ - ۲۰۲/۱۲ - ۲۶۳/۶
۳۲۲/۳ - ۳۲۴/۲ - ۳۳۴/۵

غواص - از مصدر غوص بمعنی فرو

رونده - کسیکه در دریا برای طلب مروارید فرو رود . و نام مرغی . و بسیار هجوم آورنده بر چیزی . در اینجا معنی اول منظور است ۱۲/۲۳۷

غوث - فریادرس؛ در اصطلاح غوث

عبارت از قطب است و ملجأ و ملاذ مردم است و از اولیاء الله است . عراقی گوید : چند اشارات خود صریح کنم
غوث دین قطب چرخ ایمان کو
۳۶۹/۵

غوظه‌ور - غواص ۷/۲۲۴

غوغا - بانگ و فریاد و فغان و

هنگ‌امه . ستیزه و مناقشه ۷/۱۷ -
۲۲۸/۸ - ۲۴۳/۱۱

غمگسار - یار عزیز و مونس -

دوستی که دفع ملالت کند. در اصطلاح صفت رحمانی حق را گویند که عمومیت دارد
۱۶۴/۹ - ۳۲۰/۳

غمگین - اندوهگین و ملول و حزین

ویر از درد و رنج ۱۲/۸۶ - ۷/۳۷ -
۳۹/۴ - ۶۹/۷

غمناک - منموم و ملول و اندوهناک

و دلگیر ۱۰/۱۰۹ - ۸/۳۲۳

غمین - محزون و اندوهگین و

غمگین ۱۱/۳۴۲

غنچ - ناز و عشوه و غمزه و حرکات

چشم و ابرو و گلگونه. و غازه که زنان بر روی مالند و جوال و خرجین در اینجا مفهوم اول منظور است ۱/۲۷۸

غنچه - گل ناشکفته که هنوز باز

نشده ، غنچه‌دهان؛ معشوقه و معشوق و غنچه‌دل؛ ملول و دل‌تنگ ۹/۱۳ - ۲/۱۹ -
۱۱/۲۳ - ۱۸/۴۱ - ۹/۴۴ - ۱۲/۷۰ -

۷/۸۹ - ۳/۹۶ - ۱/۹۹ - ۷/۱۰۹ -
۴/۱۷۸ - ۳/۱۸۶ - ۱۲/۱۸۹ - ۵/۲۲۰ -
۸/۲۵۳ - ۱۱/۲۵۳ - ۸/۲۶۷ - ۱۱/۲۶۷

۸/۲۷۰ - ۱/۲۷۹ - ۳/۲۸۴ - ۲/۳۰۰ -
۸/۳۱۷ - ۳/۳۳۷ - ۲/۳۳۴ - ۴/۳۵۳

۳/۳۸۳ - ۲/۴ - ۸/۴

غنرید - خوابید و آرامید و آسود

که از مصدر غنودن و غنودن گرفته شده است ۱۳/۳۶۷

۲۱۴/۸-۲۰۵/۵-۲۰۳/۶-۲۰۰/۱۰

۳۳۸/۱-۳۴۴/۷-۲۹۶/۷-۲۴۳/۱۰

۳۵۰/۸-۳۴۹/۸

غیرت-رشک وحسد. محافظت عصمت

و ناموس و شرف آبرو. کراهت مشارکت

غیر است در آنچه برای نفس حظ است

ولی در اینجا بیشتر غیرت برای حق است

باینکه دل او بغیر مایل گردد. غیرت از

جمله لوازم محبت است و هیچ محب نباشد

مگر غیور و مراد از غیرت همت محب

است بر طلب قطع تعلق محب از غیر یا

تعلق غیر از محب و آن سه گونه است :

غیرت محب غیرت محب و غیر محبت

۵/۱۰ - ۳۵/۱۳ - ۴۹/۴ - ۵۲/۱۱

۹۳/۵-۹۱/۹-۷۶/۳-۷۴/۶-۶۰/۸

۲۱۰/۷-۱۲۶/۲-۱۰۳/۱۱-۱۰۳/۱۰

۳۰۹/۲-۲۹۶/۵-۲۳۷/۶-۲۲۶/۸

۳۶۴/۴-۳۱۵/۱۱

غیور- بسیار با غیرت و ناموس دوست

زود متغیر ۱۳۳/۸-۱۶۳/۱۲-۱۶۴/۷-۱۷۶/۴

غول - هالك وبلا وسختی. موجود

بیابانی و ساحر و افسونگر و فریبنده .

و غول بیابان : مردم وحشی بیابانی

آدم خوار . واژه های بیابانی ۱۳/۱

غیب - غایب بودن. حاضر نبودن و

هر چیز ناپدید مخفی عالم غیب : عالم

آینده ضد عالم شهادت ۶۳/۲-۲۷/۳

۸۱/۱ - ۸۱/۶ - ۹۵/۸ - ۱۰۳/۱۲

۱۳۳/۱-۱۲۷/۱۲-۱۲۷/۳-۱۱۳/۱

۱۸۶/۲-۱۷۳/۳-۱۳۷/۶-۱۳۵/۹

۲۴۲/۳-۲۳۷/۶-۱۹۳/۹-۱۹۱/۸

۳۴۲/۹-۳۳۸/۱۰-۲۹۳/۸-۲۵۹/۸

۴۷۴/۷-۱-۱-۳-۱۰-۱۰/۱۰

غیور - مکر و خیر، دیگری و همچنین

کلمه غیر از کلمه بغیر و نیز غیر کلمه

نفی بمعنی ناوبی که چون بر سر اسمی

در آید آنرا منفی میکنند مانند غیر جایز،

ناروا و غیر واقع، بی اساس ۵۲/۴-۲۹/۸

۱۰۱/۹ - ۹۳/۷ - ۸۸/۶ - ۵۳/۱۲

۱۷۶/۶-۱۷۵/۹-۱۵۳/۱۲-۱۲۶/۴

گفتار بیست و دوم «ف»

فارغ - آزاد گشته و خلاص شده

فرصت یافته-آسایش ۲/۱۷۰-۱۵/۷

۳۸/۴ - ۷۱/۴ - ۲۶۷/۴ - ۲۷۸/۵

۳۳۶/۲-۳۳۱/۷

فاش - آشکار - ظاهر ۳۰/۹ -

۲۰۸/۱۲-۲۱۶/۱-۲۳۰/۸-۲۱۲/۲

فال - شکون ضد طیره، طالع و بخت-

پیش بینی و عاقبت گوئی ۴۱/۱۳-۴۸/۴

فاتحه - آغاز و اول-اولین سوره از

سوره قرآنی که سوره حمد باشد فاتحه

خواندن، در مجلس سوگواری حاضر شدن

و بروح مرده دعای خیر فرستادن ۵۹/۵

۲۶۳/۲-۲۶۳/۱۱-۱۲۷/۱-۸۴/۹

فارس- ایالت جنوبی ایران منظور

استان هفتم است ۳۰/۷ - ۱۶۹/۱۲

۳۶۳/۲-۲۳۶/۵

می کند. وعاصی ویاغی وگردنکش ۳۰/۲
 ۱۴۲/۱۲

فتوح - ج فتح ۲۵۹/۴ - ۳۵۶/۱۱

فتوی - حکم شرع و حکمی که از طرف مفتی و مجتهد صادر گردد ۳۱/۱

۱۶۵/۹ - ۲۱۷/۶ - ۲۶۲/۵ - ۲۵۳/۲
 ۲۶۸/۱

فخر - نازش و مفاخرت و سربلندی -
 مباحات ۲۰۱/۱۲

فخر دین عبدالصمد - ۱۲۹/۹

فدا - سر بها - قربانی ۶/۶ -
 ۱۹/۲ - ۴۰/۱۰ - ۴۱/۱۱ - ۴۴/۱

۷۱/۱ - ۷۲/۸ - ۷۸/۳ - ۹۲/۸ - ۹۵/۳
 ۱۱۳/۸ - ۲۱۷/۴ - ۲۵۰/۵ - ۲۴۹/۱۳
 ۲۷۵/۷ - ۲۸۳/۱ - ۲۹۶/۴ - ۳۴۱/۱۲

فر - حسن - زیبایی - برازندگی -
 رونق، روشنی، رفت، بلندی، جلال و
 شکوه - توانایی و قدرت ۲۸۰/۷ - ۸۴/۴
 ۴/ فکج

فرح بخش - شادی بخش. فرح در اصطلاح لذت قلبی است که از قرب بمحسوب حاصل شود ۵۵/۶ - ۳۰/۱ - ۸۴/۲
 ۳۵۶/۲ - ۲۶۰/۱

فراز - قریب و نزدیک - پیش و حضور - عقب و پس - بالا - فراز کردن ؛ باز کردن و گشودن در و بستن در و پوشیدن در ۱۰۶/۵ - ۱۶۵/۴

فراش - آنکه میگستراند بساط را و فرش میکند ۲۹۸/۶

فراغ - آسایش و فراغت ۷۹/۱۰
 ۲۰۸/۵ - ۲۰۰/۶ - ۲۲۸/۹ - ۸۰/۱ - ۷۹/۹
 ۲۳۰/۶ - ۲۲۳/۷

۷۸/۵ - ۲۱۸/۹ - ۲۱۸/۱۲ - ۲۳۶/۱۲
 ۲۸۲/۶ - ۳۰۶/۳ - ۳۵۴/۹ - ۳۶۹/۷
 ۳۶۹/۸

فانی - ناپایدار - زوال پذیر و بی ثبات ۳۴/۹ - ۲۴۳/۹ - ۲۷۳/۳
 ۳۳۵/۲ - ۶/ فکج

فایض - لبریز از آب - سرشار - فیض رساننده ۲۰۷/۳

فتان - فتنه انگیز - افسونگر - شیطان - اغوا کننده ۵۳/۱

فتح - در لغت بمعنی باز کردن و مخالف باغلق یعنی بستن است و بمعنی شروع و ابتداء در هر کاری و ظفر و نصرت و فیروزی است در اصطلاح ظهور کمال علمی است، شاه نعمت الله گوید ؛
 میرسد ما را فتوح خاص و عام
 خوش دری بگشاده مارا و السلام
 خاقانی گوید ؛
 در عشق فتوح چیست دانی
 از دوست کرشمه نهانی

۳۵/۴ - ۷۴/۴ - ۲۱۲/۸ - ۲۶۳/۸
 ۲۸۳/۸ - ۳۶۴/۲ - ۳۷۲/۵

فتراک - تسمه و چرمی که از پس و پیش زین اسب آویزند ۸۲/۵ - ۱۳۱/۹
 ۲۰۴/۹ - ۳۲۲/۱

فتنه - محنت و ابتلا ج، فتن، امتحان و آزمایش - شور و غوغا و آشوب و طغیان و سرکشی ۱۳/۷ - ۱۷/۶ - ۴۳/۲ - ۶۰/۱۱
 ۷۳/۱۰ - ۱۰۶/۱ - ۱۳۳/۵ - ۱۵۰/۴
 ۱۷۵/۱۱ - ۲۱۹/۸ - ۲۵۸/۴ - ۲۸۵/۱
 ۳۰۳/۲ - ۳۵۹/۸ - ۳۴۳/۲ - ۴/ فکه

فتنه انگیز - کسی که فساد برپا

آنچه در همهٔ بستانها است موجود باشد
و باغی که انگور و هر قسم میوه و هر گونه
گل داشته باشد و بهشت جمع آن؛ فرادیس
در قرآن هست؛ الدین یرثون الفردوس
هم فیها خالدون ۲۶/۷-۳۵/۵-۱۸۲/۳
۲۱۰/۸-۲۱۶/۳-۲۱۸/۱-۲۵۷/۴
۳۴۷/۸/۲۷۳/۱۲

فرزانه - حکیم و دانشمند و دانا
و عاقل و زیرک و فاضل، شریف و پاک نژاد،
سعادت‌مند ۱۱۵/۱-۱۱۰-۲۲۳/۱۰-۲۴۷/۹
۳۷۰/۵-۲۵۶/۹

فرشته - ملک ۴۲/۳ - ۸۳/۷
۱۵۷/۵-۱۱-۱۸۰/۱-۲۹۲/۱-۲۸۴/۵
۳۷۱/۳-۳/فکط

فرصت-مجال، وقت مناسب-دسترس
۵/۳-۱۱-۳۵/۴-۵۱/۱۰-۵۲/۱-۸۵/۱
۱۰-۱۲۳/۱۲-۲۰۲/۲-۲۴۲/۱۱-۲۷۰/۱۱
۹-۲۹۲/۹-۳۱۲/۹-۳۱۷/۶-۳۵۹/۱۱
۳۷۵/۸

فرض-هرچیز واجب کرده خداوند
از نماز و روزه و زکوة ... ۱۶/۷
فرط - کثرت و زیادی، افراط، از
حد گذشته ۳۶۲/۳

فرق- تفاوت-هر آنچه دو چیز مانند
هم را از یکدیگر تمیز دهد ۲۹/۲
فرقت- جدایی و مفارقت ۱۱۲/۱۰
۱۷۳/۷-۱۷۷/۷

فرقدان - دو ستارهٔ نزدیک قطب
که بدانها راه شتابند ۶/فکط
فروردین - ماه اول سال شمسی و
نام فرشته خازن بهشت و نام باد دبور که
باد مغرب باشد ۷۷/۳

فراق- جدایی و هجرت و دوری در
اصطلاح مقام غیبت را گویند که از وحدت
محبوب باشد و نیز فراق غیبت را گویند
از مقام وحدت یعنی بیرون آمدن سالک
از وطن اصلی که عام بطون است بعالم
ظهور و از عالم ظهور بعالم بطون

۱۲-۱۴-۴۴/۷-۴۸/۵-۵۳/۴-۶۱/۲
۷۷/۴-۱۴۱/۴-۱۴۴/۲-۱۵۵/۷
۱۶۴/۲-۱۶۸/۷-۱۷۲/۲-۱۸۱/۶
۸-۱۹۷/۱۰-۲۰۱/۱۱-۲۰۱/۱۲-۲۰۱/۱۳
۲۰۳/۳-۲۰۳/۲-۲۰۳/۱-۲۰۳/۱۳
۲۰۳/۳-۲۰۳/۴-۲۰۳/۵-۲۰۳/۶
۲۰۳/۷-۲۰۳/۸-۲۰۴/۶-۲۱۶/۲
۱۰-۲۴۱/۱۰-۲۶۵/۱-۲۸۸/۹-۲۹۵/۷
۱-۳۲۳/۷-۳۲۳/۴-۳۳۰/۴-۳۵۰/۸

فراغت- فرصت، آسایش و استراحت
راحتی ۸۶/۶ - ۸۸/۱۲ - ۲۲۵/۱۱
۲۲۶/۹-۳۳۸/۵-۳۸۴/۵

فراموش - از یاد رفته ۱۹۱/۵
۲۲۴/۵-۳۵۴/۱۰

فرج - گشایش آنده - نجات و
خلاصی- آسایش- خرسندی ۳۲۷/۸
فرجام - آخر، انجام، نتیجه، عاقبت
۷۶/۶-۷۷/۴-۲۷۰/۶

فرخ - مبارک و خجسته، زیبارویی
۶۸/۱۰-۶۸/۱۱-۶۸/۱۲-۶۸/۹
۶۸/۱۳-۶۹/۱-۶۹/۲-۶۹/۳-۶۹/۴
۲-۲۱۱/۲-۲۷۲/۱-۳۶۵/۲

فرخنده - مبارک و میمون-خجسته-
سعادت‌مند ۱۰-۱۷۶/۱۰-۱۲۴/۶-۱۶۵/۱
۲-۲۱۱/۲-۲۴۱/۱۰-۲۸۲/۶-۳۰۶/۲
فردوس - باغ و بستانی که در آن

فروغ - روشنی ، شمع و شعله و
 تابش آفتاب ۱۰/۲-۷۶/۲-۹۹/۱۰
 ۱۹۴/۱-۱۷۱/۸-۱۰۲/۱۲-۱۲۴/۳
 ۲۸۳/۴-۲۳۳/۵-۲۲۰/۶-۲۱۳/۳
 ۳۵۹/۴-۳۵۰/۷-۲۸۴/۱

فرهاد - سنگ تراش و حجار . و نام
 حجار معروف که عاشق شیرین بود و در
 زمان خسرو پرویز میزیست ۳۸/۱۲
 ۷۰/۳-۷۶/۱۳-۹۸/۵-۱۲۸/۱۰
 ۲۱۵/۹-۲۴۳/۷-۲۷۷/۷-۳۴۱/۳
 ۳۶۵/۸

فرباه - بانگ و آواز بلند و آواز
 بلندی که در دادرسی و استعانت بر آرند
 ۶۶/۴-۶۲/۳-۵۴/۴-۲۷/۱۰-۲۵/۱۰
 ۱۱۲/۶-۹۸/۱۰-۹۲/۱-۸۷/۶-۷۵/۱
 ۲۱۵/۴-۱۷۰/۴-۱۵۸/۲-۱۱۷/۸
 ۲۴۳/۸-۲۲۷/۱۱-۲۱۵/۱۱-۲۱۵/۱۰
 ۳۲۷/۳-۳۱۳/۸-۳۱۲/۶-۳۱۱/۴

فربادرس - دادرس - ناصر و مددکار
 و دستگیر ۱۸۱/۶-۱۱۹/۹

فرب - مکر و عشوه و گول و غدر
 و حيله و گمراهی در اصطلاح حيله مراتب
 عاشق را گویند که محبوب بطریق امتحان
 سازد ۶/۳-۱۳/۷-۶۶/۵-۱۰۶/۴
 ۲۲۸/۳-۲۰۴/۱-۱۹۹/۲-۱۳۶/۴
 ۳۲۴/۶-۳۰۱/۱۰-۲۹۸/۱۰-۲۵۵/۴
 ۱۳/۱-۳۶۰/۸-۳۳۶/۶۱

فربدون - نام ملك البروج در اینجا
 منظور پادشاه معروف ایران است که
 ۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح آغاز
 پادشاهی او بود ۳۵۹/۶-۳۲۱/۶
 ۲۳۹/۶

فسانه - افسانه و حکایت . حکایت
 بی اصل - شهرت یافته ۲۶/۳-۶۹/۱۲
 ۲۶۱/۱۱-۱۲۷/۹

فسق - ترک امر خدای تعالی و عصیان
 و خروج از راه حق ، کار بد و گناه و
 زناکاری ۱۲۱/۱-۱۹۱/۱۳-۲۳۸/۱
 ۳۳۸/۸

فوسوس - زیرکی ، ظرافت ، استهزاء ،
 تأسف ، اغوا ، سرزنش ، بهتان ، طعنه و
 شماتت و ریشخند ۱۲۹/۱۲-۹۲/۱۲

فسون - مکر و حيله و تزویر و
 افسون . کلماتیکه افسونگران و ساحران
 جهت انجام دادن مقاصد خود خوانند و
 نویسند ۲۶/۳-۲۷۱/۱۱-۲۹۶/۶

فصاحت - گشاده زبانی با اصطلاح علم
 معانی ، خالی بودن کلام از عیوب یعنی
 ترکیبات غیر ما نوس و الفاظ ثقیل و درشت
 است ۲۷۶/۳-۵۵/۵

فصیح - گشاده زبان کسیکه سخن
 و مطلب را بدون عیب و نقص بیان میکند
 و کسیکه کلامش خالی از هر گونه عیوب
 حرفی و لفظی است ۲۹۴/۸

فضا - گشادی جای فراخ و وسیع .
 عرصه ، صحن سرای ، فراخی هوا ۲۲۸/۴
 ۲۳۵/۷

فضل - برتری - فزونی . فضیلت و
 علم و معرفت و حکمت و هنر . خرد و فهم
 و ادب فضل خدا ؛ بخشش خدا ۸۸/۲
 ۱۲۶/۵-۲۲۵/۳-۲۵۸/۲-۲۳۶/۷
 ۳۰۲/۵-۳۶۱/۴-۳۶۱/۹-۱/قیح

فضول - زیاده گو و کسیکه به کارهای
 غیر لازم بپردازد . ضداصول هر چیز غیر

کسی است که نیازمند بحق باشد و ذلت
سؤال را تنها در آستانه حق تحمل کند
و کسیکه جز روزی چند روزه عیال خود
چیزی نداشته باشد ۲۲۸/۲ - ۲۸۷/۷
۱۸۱/۱ - ۳۲۱/۲

فقیه - دانشمند در علم دین و شریعت
۲۷۳/۹ - ۲۱۳/۱ - ۳۱/۱۱

فکر - اندیشه ۱۶/۱ - ۸۵/۱
۱۴۴/۷ - ۱۱۹/۲ - ۱۱۴/۱۱ - ۸۵/۱۲

۳۴۷/۹ - ۲۶۹/۱۰ - ۲۵۳/۹ - ۲۶۱/۵
فکرت - اندیشه و خیال و تأمل

۱۶۱/۱۰ - ۱۴۶/۸ - ۱۱۴/۹ - ۹۳/۱۲

۳۴۵/۱ - ۱۸۴/۵ - ۱۷۰/۹ - ۱۶۰/۳
۳ قیط

فلاطون - افلاطون ۱۷۸/۲
فلان - شخص و چیزی غیر معلوم و
مجهول بمعنی بهمان و کنایه از نام
اشخاص و اشیاء ۳۳۷/۸ - ۱۸/۶
زیر بصورت فلانی آمده است ۱۶۸/۱۰
۱۶۸/۴ - ۸۵/۷ - ۷۷/۵

فلک - آسمان، سپهر ۱۰/۱ - ۴/۴
۱۹۴/۱ - ۱۰۰/۹ - ۹۳/۱ - ۴۷/۱ - ۲۵/۹

۲۱۴/۷ - ۲۰۷/۶ - ۲۰۵/۵ - ۲۰۳/۱۰
۲۵۰/۴ - ۲۴۱/۱ - ۲۲۶/۳ - ۲۱۵/۴

۳۰۸/۱۱ - ۲۸۳/۱۲ - ۲۸۱/۶ - ۲۵۸/۷
۳۷۴/۸ - ۳۵۸/۲ - ۳۴۷/۴ - ۳۴۶/۶

۲۸۱/۳ - ۲۸۱/۷ - ۲۸۱/۳ - ۲۸۱/۶ - ۲۸۱/۳

فلک - روزگار، تقدیر و سرنوشت
۹۰/۱۲ - ۸۹/۱۱ - ۸۸/۹ - ۷۴/۳ - ۲۵/۷

۱۲۸/۵ - ۱۲۵/۹ - ۹۹/۷ - ۴۶/۴ - ۹۸/۴
۱۵۸/۹ - ۱۵۱/۴ - ۱۴۶/۱۱ - ۱۳۸/۳

۱۸۴/۴ - ۱۸۳/۱ - ۱۷۷/۱۲ - ۱۷۱/۶
۲۰۷/۸ - ۱۹۸/۱۱ - ۱۹۳/۹ - ۱۹۰/۵

۲۹۲/۷ - ۲۷۳/۲ - ۲۳۹/۱۱ - ۲۶۰/۲

لازم و نامناسب ۱۲۶/۵ - ۱۲۷/۳
۲۷۴/۳

فطرت - طبیعت و سرشت و ذات،
خلقت و پیدایش خرد و فهم و زیرکی -
حیله و نیرنگ ولی در اینجا مفهوم اول
مراد است ۲۸۰/۸ - ۲۱۳/۶

فعل - کردار و عمل ۲۸۸/۸

فغان - ناله و فریاد و بانگ و غوغا
در اصطلاح ظاهر کردن احوال درون را

گویند ۹۰/۳ - ۸۸/۹ - ۶۱/۵ - ۱۷/۷
۱۶۱/۱۰ - ۱۴۶/۸ - ۱۱۴/۹ - ۹۳/۱۲

۳۴۵/۱ - ۱۸۴/۵ - ۱۷۰/۹ - ۱۶۰/۳
۳ قیط

فضایل - ج فضیلت یعنی درجات
بلند و هنرها و فزونی در همه کمالات و
بزرگواریها و تحصیلات علمی ۲۰۹/۲
فقر - درویشی و تنگدستی و افلاس.

بعقیده عرفا بنده همیشه نیازمند است و
غنی در حقیقت حق است و فقر آنست که
تو را مالی نباشد و اگر باشد بر ای تو نباشد
چهدانی چیست در کنج خرابات

زسوز و در درندگان در مناجات
دلایلی که بینایان راهند

سریر مسکنت را پادشاهند
نهاده نام خود هر یک گدایی

دو عالم را زده يك پشت پایي
برایشان گرد و عالم عرضه دارند

نظر از جانب حق بر ندارند
۴۰/۱۱ - ۳۷/۱۱ - ۲۹/۳ - ۲۸۴/۶

۳۱۵/۶ - ۲۴۱/۱ - ۲۳۸/۷ - ۱۷۳/۸
۳۴۷/۶ - ۳۴۷/۷ - ۳۲۱/۸

فقیر - بی چیز و نادار در اصطلاح

آن جماعت کن خودی وارسته اند
 در مقام بیخودی پیوسته اند
 فانی از خود گشته و باقی بدوست
 جملگی مغز آمده فارغ زدوست
 ۳۶/۵ - ۵۳/۱۰ - ۵۷/۱۱ - ۶۶/۹
 ۹۱/۱۰ - ۱۷۱/۱۳ - ۱۷۳/۴ - ۲۱۴/۳
 ۱۴۲/۷ - ۲۵۸/۵
 فوت - مرگ ۹۲/۲ - ۱۶۷/۵
 ۲۸۳/۱۰
 فهم - دریافت و آگاهی ، دانش ،
 هوش و ادراک ۱۰۹/۱۱ - ۱۱۸/۵
 فیروزه - سنگ گرانبها و قیمتی
 برنگ آبی ۹۱/۱۳ - ۱۹/۱ - ۱۴۱/۵
 ۳۱۷/۴ - ۳۱۷/۶ - ۳۱۸/۴

بقیه دارد

۳۰۹/۱۰ - ۳۲۸/۲ - ۲۳۸/۵ - ۳۵۳/۲
 ۳۵۹/۶ - ۳۶۳/۱ - ۲۶۴/۶ - ۳۶۶/۶
 ۳۷۰/۶ - ۳۷۲/۵ - ۲/۲
 فن (Fann-Fan) - علم و هنر ،
 صنعت و داناایی ، حیل و مکر و تزویر
 ۱۵۴/۶ - ۲۶۸/۱
 فناء - سپری و نیست و فانی شدن
 در اصطلاح سقوط اوصاف مذموم است
 همانطور که بقاء وجود اوصاف محمود
 است. فناء فی الله تبدیل صفات انسان است
 بصفات الهیه مولوی گوید ،
 هیچ کس را تا نکرده او فنا
 نیست ره در بارگاه کبریا
 چیست معراج فلک این نیستی
 عاشقان را مذهب و دین نیستی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی